

(ظفرنامه‌ها)

شرح و معرفی هشت کتاب که با مظفرنامه تألیف شده
ظفرنامه انوشیروان

بنام ظفرنامه آنچه بنظر حقیر رسیده و از کتب تواریخ بدست آمده هشت کتاب تألیف شده که هر کدام از یک مؤلف جداگانه‌ای در ازمنه مختلف نوشته شده است، اولین کتابی که بنام ظفرنامه موسوم شده رساله‌ایست که در زمان نوشروان پادشاه عادل تألیف شده است؛ این رساله اندرزهای حکیمانه‌ایست از بودجه پادشاه که بنا برخواست نوشروان نوشته و به آن پادشاه تسلیم نموده نوشروان فرمود آنرا با آب زد نوشته اصل آنرا در خزانه نگاه دارند در سفر و حضور آنرا همراه داشت و از آن استفاده میکرد، در امورات مملکتی آنرا سر مشق خود قرار میداد اگرچه این کتاب رساله کوچکی است لیکن از حيث اهمیت بسیار بزرگ و ذیقهیمت است بیشتر اهمیت آن ایشت که از یادگارهای دوره مشعشع ساسانیان و پادشاه عادل انشروان باقی مانده و از سخنان حکیم دانشمند و دستور ارجمند بودز جمهور میباشد متأسفانه اصل نسخه ظفرنامه بجهة بعد زمان که قریب پانزده قرن از تألیف آن میگذرد تحریف شده هر مورخ و نویسنده تغییرات و تحریفاتی در آن بکار برده و یا بسلیقه خود آنرا خلاصه کرده است، این رساله در زمان ساسانیان بزبان پهلوی نوشته شده و اکنون ترجمه فارسی آن بدست هادرسیده است، بعضی از مورخین نوشته‌اند که بعلی‌سینا آنرا بامر نوح بن منصور سامانی ۳۶۶-۳۸۷ هفتاد و پانزده پادشاه

سامانیان از پهلوی بفلادسی ترجمه کرده است. در اینخصوص صاحب کشف الظنون در جلد دوم صفحه ۱۲۰ چنین نوشته (ظفرنامه اسم اسئله نوشر و ان ملک العجم المشهور واجوبة بود ز جمهور علی لغة الفهلوی دوّنها نوشر و ان ثمّ امر نوح بن منصور السامانی و زیره ابن سینا بنقله الى الفارسیه فنقله)

حکیم ابوالقاسم فردوسی در جلد چهارم در شرح حال نوشر و ان این ظفرنامه را با تغییر و تبدیل در جملات آن در باب (پند دادن بود ز جمهور نوشر و ان را و سخن گفتن او در گفتار نیک و کردار نیک) مفصلابنظام آورده اکرجه عبارات آن با این ظفرنامه خطی که در دست است در بعضی قسمت‌ها مطابق نیست لیکن اغلب مضامین آن شبیه و بلکه عین ظفرنامه است هنتها این ظفرنامه که بدست ما رسیده چنانچه ذکر شد خلاصه و تحریف شده است، فردوسی آنرا چنین آغاز می‌کند.

بزرگان و دانشده را بار داد	جهاندار بنشست یکروز شاد
بر تخت بنشست بود ز جمهور	سخن گفت خندان و بگشاد چهر
گه دل شد بکردار خرم بهار	یکی آفربن کرد بر شهریار
که بر تو نیابد سخن عیب جوی	چنین گفت کایداور تازه روی
جهاندار با دانش و نیکبخت	خجسته شهنشاه فیروز بخت
ابر دفتر کاغذ خسر وی	نوشتم سخن چند بر پهلوی
بر آید بخواند هرگز شهریار	سپردم بگنجورد تا روزگار

بعد آندرز هارا مفصلابطريق سؤال جواب بنظام آورده طالبین بجلد چهارم شاهنامه بقسمت پند دادن بود ز جمهور به انس نوشر و ان رجوع فرمایند حمد الله مستوفی نیز در تاریخ گزیده صفحه ۷۳ این ظفرنامه را از بود ز جمهور ذکر کرده و قریب شصت و پنج سؤال جواب از آن نوشته است در سال ۱۳۱۰ شمسی این ظفرنامه بنام پیروزی نامه از طرف شاعر جوان فاضل کاظم رجوی منظوم و بقطع کوچک بشکل رساله‌ای چاپ

شده و شرحدی نیز بر آن نوشته است و لوّل آن اینست
 بنام خدای زمین و زمان فرزند آسمان
 گزارنده کویش از در زبان توانا ده خلمه بی زبان
 خداوند دانا و بینده ای وجود از عدم آفریننده ای

اوّل ظفر نامه که بوعلی سینا آنرا ترجمه کرده چنین آغاز میشود ستایش و سپاس خداوندیرا سزاست که آفریننده آدمیان و بدید آورنده زمین و آسمان است و درود نامحدود بر پیغمبر اکرم و آل او سلام اللہ علیہم اجمعین آما بعد چنین گویند که روزی انشرواں عادل ابوذر جمهر حکیم را طلب کرد و گفت سخنی چند میخواهم که در هر دو جهان بکار آید و چون آنرا بکار دارم بر همه چیز ظفریابم و بعد از ما در جهان یادگار بماند بود رجمهر یکسال مهلت خواست و این کلمات را جمع کرد و آنرا ظفر نامه مسمی نمود و بخدمت نوشوان بردو خواند او بغايت خوشوقت شد و بخلعت خاصش مخصوص نمود و فرمود که آن را با آب زدن بیسند و پیوسته با خود داشت و این کلمات را از استاد خود می پرسید و او جواب باصواب میداد بدینگونه کفتم از خدا چه خواهم که همه نیکیها را خواسته باشم گفت تقدیرستی و ایمنی و توانگری بالغ برای بقیه آن طالبین بتاریخ گزیده رجوع فرمایند که در آنجا مفصلانه ذکر شده است ▷

(ظفر نامه حمد اللہ مستوفی)

دومین کتابی که بنام ظفر نامه تالیف شده ظفر نامه حمد اللہ ابن ابی بکر بن لمیں الدین نصر للمستوفی القزوینی است این کتاب بطریق شاهنامه در هفتاد پنج هزار بیت منظوم شده موضوع کتاب تاریخی است از ظهور اسلام تا تاریخ عصر مؤلف یعنی مازاسط نیمه اول قرن هشتم هجری فی الحقیقته ابن کتاب دنباله شاهنامه فردوسی است حمد اللہ مستوفی لزمور خیان و شاعران و نویسندگان بر گزیده عهد غول است نسخه

منحصر بفرد این کتاب در کتابخانه بریتیش موزیوم در لندن تحت شماره ۲۸۲۳ موجود است کتاب بسیار بزرگ و ضخیمی است ابعاد آن ۱۳ انج در ۹ انج نیم است مشتمل بر ۷۷۰ ورق که ۱۵۴۰ صفحه میباشد و هر صفحه آن ۲۷ سطر است که با جداولی طلائی بخط نسخ بسیار زیبا در آخر رمضان سال ۸۰۷ هجری دد شیواز تحریر شده است نام نویسنده کتاب محمود الحمینی است باضافه بن سعید بن عبدالله اسم نویسنده قدری محو شده معلوم میشود مجدداً این اسم را نوشته‌اند این کتاب در سال ۱۸۸۵ میلادی مطابق ۱۳۰۳ هجری قمری در ایران برای هوزه بریتانیا خریداری و از ایران خلاج شده است این مؤلف دو کتاب دیگری نیز دارد که یکی تاریخ گزیده است و آنرا در سال ۷۳۰ هجری بنام خواجه غیاث الدین محمد صفر زند خواجه رسید الدین فضل الله نوشته است و دیگری نزهت القلوب است در علم جغرافی و بلدان که در ۷۴۰ هجری نوشته ظفر نامه را نیز در سال ۷۳۵ هجری تمام کرده غیر از این سه کتاب از حمد الله مستوفی کتاب دیگری ذکر نشده است اول ظفر نامه چنین آغاز میشود

بنام خدائی که هست و بکیست جز این دوردو گیتی خداوند نیست

مؤلف در مقدمه تاریخ گزیده بظفر نامه اشاره کرده و چنین نوشته است و جون احیاناً شعری شکسته بسته اتفاق میافتد در این علم هوس نظمی میشود که از اول عهد مصطفیٰ صلی اللہ علیه وسلم تا این زمان مبارک تاریخ منظوم هر قب کرداند و از آن پنجاه و چند هزار بیت گفته شد اگر توفیق رفیق گردد به قباد و پنج هزار خواهد رسانید و بالقاب همایون مخدوم و مخدوم زاده جهانیان لازمال قصر عمره عامراً و عمر خصمه قلصراً هو شح گرداند و در ظفر نامه در این خصوص چنین گفته

درین نامه از هفتاد و چند سال
بگفتم حکایت زهر گونه حال
سخن شد بهو صدده اندر هزار شمار

بعد از آینه که مقدمه مفصل بشعر میگوید متوجه شاهنامه فردوسی شده اظهار
تاسف میکند که بسیاری از نسخ شاهنامه ناقص است با اینکه او میدانست شاهنامه
شصت هزار بیت است ولی بزحمت در نسخه های دست رس خود پنجاه هزار بیت
آنرا پیدا کرده است در حاشیه همین نسخه ظفرنامه قسمت های مهم شاهنامه نوشته
شده و بعضی قسمت های آنرا تصحیح نموده اند و مقصود مؤلف از ظفرنامه چنانکه
ذکر شد تقلید و دنباله شاهنامه بوده است در این خصوص میگوید که چطور دوستانش
او را وادار کردند که تاریخی منظوم بسبک شاهنامه بر شته نظم و تحریر بیاورد او
هم همین کار را کرد و به پیشنهاد و تشویق دوستان این کتاب را منظوم و ظفرنامه
نامید چنانکه گوید

<p>ظفرنامه کن نام این نامه را این کتاب بسه بخش تقسیم شده و هر یک را بنام کتاب یا قسم نامیده است و به ترتیب آنها را به اعراب و اسلام و ایرانیها و مغول اختصاص داده و در اشعار زیر درین باره چنین میگوید</p>	<p>بدین تازه کن رسم شهنامه را</p>
--	-----------------------------------

<p>بدید آمد از نکته های عجب جو اسلام ز اهل عرب آمده در او گشته پیدا زیش وز کم جو بر حکم دین آن دول شد تمام فروزنده چون از چمن بر لک کل چودارد بسلطان دین انتساب</p>	<p>کتاب نخستین ذ کار عرب به اسلامی آنرا القب آمده کتاب دوم شرح حال عجم با حکام آنرا نهادم بنام کتاب دوم آمده از مغل بسلطانی آمد هر آن خطاب</p>
---	--

حمد الله هستوفی در نظم این کتاب پانزده سال رنج کشیده و هفتاد پنج هزار
بیت در تاریخ سروده است بیست پنج هزار بیت در تاریخ اسلام و بیست هزار بیت در
تاریخ ایران و سی هزار بیت در تاریخ مغول گفته است و در این خصوص چنین میگوید

کشیدم درین باز ده سال رنج
عرب بیست پنج و عجم بیست هزار
ذ تازیک و از سروزان مغل

بگفتم سخن باز ده بار پنج
مغل سی هزار آمد اندرشمار
بجستم حکایت زجزء و زکل

در بازه منابع کتاب مؤلف اظهارات صریح نمیکند فقط بطور مبهم مینویسد
که اطلاعات خود را از نویسنده‌گان عرب و ایران و سران مغول گرفته و درجای دیگر
ذکر نمیکند که غالب اطلاعات خود را در تاریخ مغول از امین الدین نصر مستوفی جد
اعلای خود که در غائله مغول در اکثر جنگها و فتوحات شاهد و ناظر بوده کسب کرده
است در اتمام کتاب ظفر نامه سه تاریخ ذکر کرده است سال ۷۳۵ هجری و ۱۶۴۴
اسکندری و ۷۰۲ یزدگردی و بدین نحو آن سه تاریخ را بیان میکند

بر از رنج این نامه‌ام بود گنج	ز هجرت شده هفت‌صدوسی و پنج
چل و چار و ششصد فزون سالیان	ز اسکندری از هزار این زمان
فزون گشته شد رهنما میم خرد	ز شه یزدگردی دو بر هفت‌صد
ز ما بر پیغمبر درود و سلام	کتاب ظفر نامه کردم تمام

با وجود اینکه مؤلف وقایع را بنظم آورده در ذکر هطالب بسیار دقیق بوده
است و برای تاریخ مغول این کتاب فوق العاده مهم است زیرا که جزئیات تاریخ
مغول را که دیگران چنانکه شاید و باید تنوشه‌اند او نوشته است در قتل عام و
غارت اسفانگیز شهر قزوین که همه‌قطار رأس خود ادست منظومه مفصلی گفته که
چند بیت برای نمونه از فجایع مغول نوشته میشود

وزین رو بقزوین سبای (۱) بجنگ	در آمد بکودار غرآن پلناک
بدانگه که شد شهر دریای خون	ده و هفت بودی ز ششصد فزون

(۱) سبای نام یکی از سرکردکان مغول است و این اشعار را دانشمند فاضل
میرزا علی اصغر خان حکمت از ظفر نامه حمدالله مستوفی نقل کرده است از سعدی تاج‌المرأی صفحه ۱۱۸

که پیداشد آن محنت و درد و سوز
مظفر لقب همتری نامدار
ز کار حکومت و را بود بهر
بیستند دروازه ها را بسنگ
چهارم شهر اندر آهد سپاه
سر همگنان آوردند زیور
همه شهر را بخت برگشته شد
بکردن خود را بخیره تباہ
نگون در فکندند خود را بچاه
زبس گشته افکند بی حد و مر
بر اندوه جان و بدل پر ز خون
زبانه بر آمد بچرخ بلند
وزان کار کفر و ستم بر فروخت

ز شعبان گذر کرده بد هفت روز
در آنوقت بد حاکم آند بار
بحکم خلیفه در آنشهره شهر
چولشکر درین مرزاًمد بجنگ
سه روز اندر آن کس ندادند راه
مغول اندر آمد بقزوین دلیر
زن و مرد هر جا بسی کشته شد
بسی خوب رویان ز بیم سپاه
ز بیم بد لشکر رزم خواه
نمایند اندر آن شهر جای گذر
بر قند چندی بجماعع درون
بمسجد مغول اندر آتش فکنند
با آتش سقوف هقرنس بسوخت

محتویات ظفر نامه ازین قرار است کتاب اول قسم الاسلامیه من کتاب ظفر نامه شامل وقایع تاریخی زندگانی حضرت رسول اکرم و خلافت ابوبکر عمر عثمان علی و حسن و بنی امية و بنی عباس کتاب دوم قسم الاحکامیه من کتاب ظفر نامه فی ذکر العجم شامل تاریخ صفاریان سامانیان غزنویان غوریان دیلمیان و آل سلجوق و سلاجقه روم و خوارزمشاهیان تامرگ سلطان جلال الدین سپس تاریخ اسماعیلیان سلغوریان فارس و قراختائیان کرمان کتاب سوم قسم السلطانیه من کتاب ظفر نامه فی ذکر المغول مبداء تاریخ ترکها و مغولها بعد از آغاز خان و اجداد آنها و چنگیز خان او کنای قاآن توشی خان و اخلاق وی در قچاق و جفتای خان و جانشینان وی در توران تولی خان بر کنای خاتون کیوک خان منکو قا آن تیمور

قاآن و جانشینان او هولاکو اباقا آن احمدخان ارغون خان کیخاتو بایدو غازان خان او لجایتو سلطان محمد ابوسعید بهادرخان است وفات حمدالله مستوفی را ادوارد براون در تاریخ ادبیات نوشته که آخر الامر بدست مغول کشته شد و از قرار معلوم در سال ۷۵۰ هجری بدرود حیات گفته صاحب قاموس الاعلام و حاج خلیفه تاریخ وفات او را ۷۵۰ هجری نوشته‌اند قبر وی در قزوین است و بالای قبرش گنبد بلند و بالائی هست

(ظفر نامه شامی)

سو مین کتابی که بنام ظفر نامه تأثیر یافته ظفر نامه شامی است نام مؤلف آن نظام الدین است لیکن هورخین نام وی و نسبت محل اورا بعبارات مختلف نوشته‌اند صاحب روضة الصفا مولانا نظام الدین غازانی نوشته مؤلف حبیب السیر نظام شب غازانی ذکر کرده شرف الدین علی یزدی مولانا نظام الدین شبی ثبت نموده حافظ ابرو نظام الحق و الدین الشنبی المعروف بشامی قلمداد کرده است در هر صودت بنظام شامی معروف است مقصود از شام یا شب همان شب غازان است که نام یکی از محلات تبریز است و شب بمعنی گنبد است که بالای قبر غازان خان در آن محله ساخته بودند گنبد بلند وبالائی بود که اکنون مخروبه است و جز آجر های شکسته بسته و سنگهای ریخته و باشیده چیزی باقی نیست شرح آن قبره و آن گنبد را در شماره ۳۲ سال دوم نشریه دانشکده ادبیات مفصل نوشته‌انم بعضی از هورخین نام این محله را شام نیز نوشته‌اند لیکن صحیح آن همان شب است نظام الدین مؤلف ظفر نامه اهل تبریز بوده و مسقط الرأس وی همین محله شب غازان است این ظفر نامه بسیار کتاب مهم تاریخی است که زندگانی تیمور را با شرح وقایع جنگها و فتوحات وی مفصل نوشته و از حشو و زوايد خالیست تقریباً اساس و پایه ظفر نامه شرف الدین علی یزدی است که بیست سال بعد از آن تالیف شده است

نسخه منحصر بفرد ظفرنامه شاهی در کتابخانه بریتیش موزیوم در لندن موجود و نسخه خطی ممتاز و بسیار نفیسی است مشخصات آن بنا بنگارش روودر فهرست کتب خطی بدین قرار است عرضًا شش انج ویک چهارم و طولا نه انج و سه چهارم است هر صفحه آن ۱۹ سطر است که بخط نستعلیق بسیار زیبا در سنه ۸۳۸ هجری شهر دیع الشانی تحریر شده است و تاریخ تألیف آن ۸۰۴ هجری است تاریخ تیمور را از بد و زندگانی وی تا یکسال قبل از وفات او یعنی سال ۸۰۶ مشریح نوشته است این کتاب قدیمترین و بهترین تاریخی است که از تیمور بحث میکند و جزئیات تاریخ تیمور را که دیگران ننوشته‌اند او نوشته است مؤلف ظفرنامه در بغداد میزیسته و از اوائل زندگانی وی اطلاع صحیحی در دست نیست وقتی امیر تیمور در سنه ۷۹۵ بغداد را تسخیر نمود او اولین شخص بود که برای عرض تهنیت به نزد تیمور دفت و او در حق وی نوازش و احترام کرد و گفت خدا بر تو رحمت کناد اول کسی که ازین شهر پیش هن آمد تو بودی غالباً در سفرها و جنگها در ازدواج تیمور بود مؤلف گوید عده نفرات آرتش تیمور در تسخیر بغداد بقدری زیاد بود که بواسطه شنا در دجله روی آب بکلی از افراد قشون مستور شده و آب دیده نمیشد بطوریکه تمیز دادن آب از دشت هشکل بود و با خود میگفت اینها چگونه هردمی هستند که برای آنها آب و خشکی یکسان است در سال ۸۰۴ هجری تیمور بوی امر کرد که تاریخ ایام سلطنت و داستان جنگها و فتوحات او را بنویسد و دستور داد مطالبی که نویسنده‌گان دیگر در باره او تا آن تاریخ نوشته‌اند هورد تجدید نظر قرار داده در یکجا جمع آوری نماید و مطالب را از آغاز احراز قدرت تا زمان حال تشریح نماید و سراسر نوشتگات و اوراق و اسناد فتوحات خود را در اختیار او گذاشت و فرمود از انشاء مغلق و مطنطن اجتناب نماید و چنان ساده دروان نویسد که هر شخص عامی آنرا بتواند بخواند مؤلف تاسمال ۸۰۶ تاریخ تیمور را بر شنیده تحریر در آورده و در

اغلب مسافرتها همراه تیمور بوده در نزدیکی اردبیل در روز عید قدر خطبه نماز عید را او خوانده است پس از آن تیمور از صفحات آذربایجان برگشته و به تختگاه خود سمرقند عزیمت نمود و بنظام الدین اجازه عراجت به تبریز موطن اصلی خود داد و نامه‌ای در توصیه وی خطاب به نوئه خویش میرزا عمر شیخ بن میرزا میرانشاه که در آن تاریخ حکمه ران آنصفحات بود نوشته بوى دادعلی الظاهر تالیف ابن ظفر نامه بعد از سال ۸۰۶ هجری ادامه نیافه لیکن در سال ۸۱۴ هجری در زمان سلطنت میرزا شاهرخ بن امیر تیمور یفرمان وی حافظ ابرودیلی بظفر نامه شامی از سال ۸۰۷ بعد نوشته که در مجموعه تألیفات وی مخصوصاً در زبدۃ التواریخ با یسنقری تأليف همان مورخ آمده است حافظ ابرو آخرین سال حیات تیمور را در سال ۸۰۷ هجری چنین نوشته که بعد از آخرین حمله به گرجستان عزیمت بسمرقد فرموده در همان سال در قصبه (او تار) نزدیک سمرقند منزل کرده هشقول استراحت شد و از فرط خوردن شراب در حال هستی در گذشت تاریخ وفات او را بعضی از شعر این چنین گفته‌اند

سلطان تمر آنکه چرخ را دلخون کرد	وزخون عدوری زمین گلگون کرد
در هفده شعبان سوی علیین تاخت	در حال زر (ضوا) سرو پایرون کرد

۸۰۷

بعضی از مورخین غیر از نظام الدین شامی مؤلف ظفر نامه نظام الدین تبریزی نامی را نیز نوشته‌اند هر حوم تربیت در دانشمندان آنرا ذکر کرده و کتاب ریاض الملوك فی ریاضات السلوک را که ترجمه سلوان المطاع است به وی نسبت داده لیکن دانشمند محترم میرزا علی اصغرخان حکمت که بسیار مرد فاضل و محقق هستند در کتاب تاریخ ادبیات ادوار دیراون از سعدی تا جامی صفحه ۲۴۴ نوشته که بسیار محتمل است نظام الدین تبریزی مترجم سلوان المطاع همان نظام شامی مؤلف ظفر نامه باشد و نظریات معظم له بسیار صحیح بنظر میرسد اول ظفر نامه چنین آغاز می‌شود

وظایف شکر فراوان ولطایف حمد بی بایان الخ

پس از مقدمه مفصل تاریخ اجداد چنگیزخان و مخصوصاً نسل جفتای را هش روحاً نوشتہ بعد از آن شرح اوائل زندگانی تیمور را هینویسد سپس فتح طغلق را در موارد النهر و شرح جنگها و فتوحات تیمور را که اغلب باقتل و غارت و خونریزی توأم بوده تا سال ۸۰۶ هجری نکاشته است ازین کتاب غیر از یک نسخه منحصر به فرد که در بریش موزیوم محفوظ است نسخه دیگری سراغ نداریم

(ظفر نامه شرف الدین علی یزدی)

چهارمین کتابی که بنام ظفر نامه تألیف شده ظفر نامه تیموری تألیف شرف الدین علی یزدی پسر شیخ حاجی است اساس و پایه این کتاب فی الواقع همان ظفر نامه شامی است لیکن مؤلف از نظام الدین شامی و تألیف وی ابداً اسمی نه برده و کتاب خود را با اطناب و تطویل در عبارات آن با افزایش اشعار و آیات بسیار نوشته است مؤلف طبع شعر نیز داشته و تخلص شرف میکرده اشعار زیادی از خود در این کتاب گنجانیده این ظفرونامه در شهرت از ظفر نامه شامی مقدمتر شده و آنرا تحت الشعاع خود قرار داده است مؤلف در فن معماً ید طولائی داشته و در اغلب علوم و فنون نیز بی بهره نبود و با بسی از عارفان و محققین صحبت داشته و از صفاتی باطن و ظاهر ایشان کسب معلومات میکرد و بروز کار شاهزاده ابراهیم میرزا بن شاهرخ در فارس و عراق مرجع اکابر بوده بنا بدر خواست ابراهیم میرزا تاریخ فتوحات صاحقرانی را بر شریه تحریر آورده و ظفر نامه نام نهاد آنرا در مدت چهار سال تألیف نموده با آخر رسانید شرف الدین در همه فنون و کمالات قصب البق از همگان ربوی د ه صاحب سلاطین کر کانیه بودی تصانیفش بسیار است از جمله یکی همین ظفر نامه است و کتاب کنه المراد فی الوقف والاعداد و حلل المطرز و مناظر و منتخب است والكتاب فی علم الاسطرباب و شرح قصيدة برده است مؤلف تذکرہ هفت اقلیم نوشه

شرف الدین علی، یزدی در عصر خود اشرف فضلای ایران والطف علمای دوران بوده و همیشه بقلم اطایف رقم ملاقات بداعی آثار بر صحیفه روزگار تحریر نموده و در باره ظفرنامه نوشته در فن تاریخ بلطایف آن در فارسی نسخه‌ای مکتوب نقشته و ماده تاریخ انمام کتاب ظفرنامه (صنف فی شیراز) است که بحساب ابجده ۸۲۸ میباشد و این اشعار از اوست

کان در پیاله پر توی از روی دوست هست
صوفی هبائی منکر رندان می برست
آنرا خطاب فاسق و این را خدا پرست
وین طرفه تر که مردم کوتاه نظر کنند
شرف الدین نه تنها بواسطه علم و فن خود معروف است بلکه بسبب حسن
انشاء بی نظیر شهور آفاق شده است .

بعضی از مورخین نوشته‌اند که امیر علی‌شیر نوائی در اوان جوانی با شرف الدین ملاقات نموده و صحبت‌ها کرده است بالاخره در سنّه هشت‌صد و پنجاه و شش و بقولی هشت‌صد و پنجاه و هشت در بزد وفات نموده و این رباعی از اوست

گر جام طرب بمسند جم زده ایم
جز باده بدهست نیست تادم زده ایم
پیدا شده عالمی و پنهان گشته
تا چشم گشوده ایم بر هم زده ایم
کتاب ظفرنامه خطی آن بسیار است و در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی
پیدا می‌شود و نسخه‌ای بسیار زیبا و مذهب از آن نزد نکار نده هست و در سال ۱۸۸۷
میلادی در کلکته در دو جلد بطبع رسیده است

(ظفرنامه شاه جهانی)

پنجمین کتابی که بنام ظفرنامه تالیف شده ظفرنامه شاه جهانی تألیف ابوطالب کلیم همدانی است ابوطالب همدانی الاصل و کاشانی المسکن بود لیکن همدانی شهور است در سال ۱۰۲۸ هجری بهندوستان رفت و مظہر القفات جهانگیر شاه شده بود بعد به ایران برگشته و سفر دو م بهندوستان رفت در دربار شاه جهان ۱۰۳۷-۱۰۶۸

پسر نور الدین محمد جهانگیر در نهایت اعزاز و اکرام میزیست و لقب ملک الشعراًی مفتخر شده بود با مر شاه جهان ظفرنامه را که شاه جهان نامه نیز گویند بنام وی تالیف کرده است نوشته‌لند وقتی سلطان عثمانی نامه‌ای بشاه جهان هند نوشته و او را متکبر آن‌هه علامت کرده بود که چرا خود را شاه جهان نام کرده‌ای و حال آنکه حکمران هند هستی شاه به کلیم مراجعه کرد که جواب او را بنویسد کلیم یک جواب بسیار متین تهیه کرده و این شعر را نیز در آن نامه نوشت

هند و جهان ز روی عدد هر دو چون یکیست شه را خطلب شاه جهانی میرهن است
درین ظفرنامه تاریخ زندگانی امیر تیمور را از جنگها و فتوحات آغاز کرده
داستانهای وی و میرزا میرانشاه و عمر شیخ و شاهرخ و ابوسعید و با پسر شاه را بطرز
شاهنامه منظوم ساخته تاریخی شاه جهان هند در حدود پانزده هزار بیت است
نسخه خطی آن بنظر رسیده و تا کنون چاپ نشده کلیم او اخیر عمر خود را در کشمیر
گذرانیده و بالاخره در سال ۱۰۶۱ در کشمیر وفات کرده و در آنجا مدفون است
غنى کشمیری از شعراًی معاصر وی تاریخ وفات او را چنین گفته

حیف کز دیوار این گلشن پرید	طالبا آن بلبل بساغ نعیم
رفت و آخر خامه را از دست داد	بی عصا طی کرد این ره را کلیم
اشک حسرت چون همی ریزد قلم	شد سخن از هر دن طالب یقیم
عمر ها در یاد او زیر زمین	خاک بر سر کرد قدسی سلیم ^(۱)
عقاب از اشتیاق یکدیگر	گشته‌اند این هرسه در یکجا هقیم
گفت تاریخ وفات او غنى	(طور معنی بود روشن از کلیم)

۱۰۶۱

(۱) قدسی حاج محمد جان مشهدی است بمناسبت مشهدی بودن قدسی تخلص میکرد سلیم محمد قلی سلیم طهرانی است که در سنّه ۱۰۵۷ در کشمیر فوت کرده

اول ظفرنامه اینطور آغاز میشود

بنام خدائی که از شوق جود
دو عالم عطا کرد سائل نبود
حکیمی که شمع زبان دردهن
فروزان نماید بیاد سخن
رحمی خطابخش و مسکین نواز
ذشوق کرم گشته محتاج ساز
جهان آفرینی که پست و بلند
دو هصرع ذ دیوان صنع و یند
این کتاب را مفصلابا جزئیات تاریخ منظوم ساخته تا رسانیده بفتح کشمیر و
در آنجا منظومه خود را خاتمه داده و چنین گفته

ظفرخان زفتح و ظفر شادمان
بکشمیر از آن مملکت شد روان
جو اقبال این شاه گردون سریر
نه یند دیگر در جهان قلعه کیر

(ظفرنامه هاتفی)

ششمین کتابی که بنام ظفرنامه تألیف شده ظفرنامه هاتفی است تألیف عبد الله
خواهر زاده جامی صاحب کشف الظنون در باره این کتاب چنین نوشتہ (ظفرنامه
فارسی منظوم فی وقایع تیمور امولا نا عبد الله بن اخت الجامی المعروف بهاتفی الم توفی
سنة سبع وعشرين وتسعمائه وهو نظم متین مقابلة اسکندرنامه من الخمسة اتم نظمه
فی اربعين سنة لانه كثيراً ما كان يخرج بعض ابياته الغير المستحسنة و يبدل غيرها
هاتفی در شعر خاصه در متنوی گوئی از امثال خود سبقت یافته و در تبع خمسه
نظمی چهار کتاب بنظم آورده است اول لیلی و چنون دوم خسر و شیرین سوم هفت
منظر چهارم همین ظفرنامه است که تمرنامه نیز گویند بطرز و اسلوب اسکندرنامه
نظمی منظوم ساخته و هفت منظر را بطرز هفت پیکر نظامی گفته است نوشته اند
ظفرنامه را در مدت چهل سال با تمام رسانیده هر سال در آن تجدید نظر نموده
و اشعار سمت و نام مطلوب آنرا تغییر میداد اول ظفرنامه چنین آغاز میشود
بنام خدائی که فکر خرد نیارد که بر کنه او بی برد

همین دیدار و عقل‌جون بنگریست
 که هست او ولیکن نداشت کیست
 زبردست هردست اور است دست
 چه هستی که شد هست ازو هر چه هست
 ازین کتاب نسخ متعدد دی در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی موجود است و
 در سال ۱۸۶۹ میلادی مطابق ۱۲۸۶ هجری نسخه‌ای از آن بنام ظفر نامه در لکهنه
 چاپ شده است در خاتمه کتاب چنین گوید

بحمد الله این نامه دلفریب
 بحمد الله این ماه نا کاسته
 من آن روز کز طبع گنجینه سنج
 گرفتم زلیلی و مجنون نخست
 زلیلی و مجنون چو دیدم فراغ
 شد از نقش فرخ چو گیتی پسند
 چو باز آدم زان همایون سفر
 تماشا گهی گرم آراسته
 که آن نامور نامه خسروی
 چو دیدم در آن قصه پر فروغ
 هاتفی از قصبه خرجرد جام است و در آن قصبه باغی ساخته و در آنجا متوطن
 بود و با مردم اختلاط کمتر داشت در سال ۹۱۷ هجری شاه اسماعیل صفوی پس
 از فتح بلاد خراسان متوجه عراق شده در حوالی قصبه جبهه زیارت مقبره شاه قاسم
 انوار نزول فرهوده گذارش بیانگ هاتفی افتاد در باغ بسته بود پرسید از کیست
 گفتند از هاتفی همشیره زاده مولانا جامی است کسی از شاخه درخت بالا رفته در
 باغ را گشود صاحب باغ را خبر دادند مولانا هاتفی باستقبال شتافت وزوی عجز و
 نیاز بر زمین نهاد شاه از مولانا احوال پرسید بعد از وقوف به حالات وی به کلمه

درویشی وی رفت مولانا لازمه بذیرایی بعمل آورد ما حضری از میوجات و غیره آورد پس از تناول صحبت از شعر و شاعری بمعیان آمد مولانا چند بیتی از اشعار خودخواند شاه اسماعیل تحسین فرموده واو را بنظم جنگها و فتوحات خود مأمور ساخت مولانا انگشت قبول بر دیده نهاده و منظور نظر عنایت اثر شاهانه گردید سام هیرزا در تحفه سامی نوشته که تاهزار بیت از آن بنظم آورده الحق اگر آن مثنوی تمام میشد ناسخ تمام مشتوبات وی هیگردد آهاباتم آن توفیق نیافت این چند بیت از آن مثنوی است که در مدح شاه اسماعیل صفوی گفته

بروختم شد منصب سروری	چو بر جدش آئین پیغمبری
مثل در زمانه بفرزانگی	سرشته ز مردی و مردانگی
چه مردی که هر کس که نامش شنود	دگر زن نیامد ازو در وجود
نه آورد تاب بذلش درم	درم هنها بی نهایت کرم
بهم دخل کونین اگر رضم شود	ز اندازه بذل او کم شود
همه پادشاهان شده پست او	چو شاهان شترنج دردست او
ز شاهان شترنج او بیشکی	بود شاه بهرام چو بین یکی
چند بیت از مثنوی وی که در جنگها و فتوحات شاه اسماعیل گفته نوشته	

میشود

ذ خون دلیران و گرد سپاه	زمین گشت سرخ و هوا شد سیاه
سپرها فتاده همه واژگون	چو کشته که افتاد بدربای خون
کله خودها گشته وارون همه	چو دلهای عشاق بر خون همه
سرنیزه در سینه کاوشن گرفت	ز چشم زده خون تراوش گرفت
تبرزین بخود یلان گشته غرق	چوتاج خرسان جنگی بفرق
نه از قتل کس نیزه ها منفعل	چو بالا بلندان بيرحم دل

فتاده در آن پهن دشت درشت
سر نا تراشیده چون خلار پشت
مولانا هاتفی در سال ۹۲۷ در همان قصبه خرجرد در گذشته و در باع خود
مدفون است تاریخ وفات او را بعضی از فضلا چنین گفته‌اند (جامی نانی چه شد)
۹۲۷

(ایضاً ظفر نامه شاه جهان)

هشتمین کتاب که بنام ظفر نامه تألیف شده ظفر نامه شاه جهان تألیف حاج
محمد جان مشهدی است که قدسی تخلص می‌کرد در جوانی بزیارت بیت الله الحرام
مشرف گشته و از ایران بهندرفته در دربار شاه جهان هند که در آن عصر هر کز شعرای
ایران بود با کمال عزت و قرب و هنر و مهارت میزیسته نصر آبادی در تذكرة خود نوشت
طالبای آملی که بمنصب هلک الشعراًی همتاز و مفتخر بود جهة مراءات قدسی در دربار
پادشاه پائین دست او هی ایستاد بعضی از هور خین نوشتند که بلقب هلک الشعراًی
مفتخر شد او نیز مشنوی هفصلی مشتمل بر فتوحات شاه جهان بعنوان ظفر نامه منظوم
ساخته دیوان اشعار هرتب و مفصلی نیز دارد که بنظر رسیده لیکن ظفر نامه اش دیده
نشده صاحب قاموس الاعلام نوشتند بنام ظفر نامه فتوحات شاه جهان را بنظم آورده
نسخه آن کمیاب است ادوارد براون در تاریخ ادبیات تاریخ وفات او را سال ۱۰۵۶
نوشتند که در کشمیر وفات نموده این اشعار از وست

عالیم از ناله من بی تو چنان تنک فضاست که سپند از سر آتش نتواند برخاست
اینجا غم محبت آنجا سزای عصیان آسایش دو گیتی بر ما حرام کردند

(ظفر نامه نادری)

هشتمین کتاب که بنام ظفر نامه تالیف شده تالیف جمال الدین محمد بن عبدالغفاری
متخلص بنادری است این ظفر نامه بزبان ترکی منظوم شده که در حدود دو هزار

بیت است مشتمل بر فتوحات یکی از سلاطین عثمانی است ایضاً المکنون فی الذیل
علی کشف الظنون جلد دوم صفحه ۹۰ چنین نوشته ظفر نامه ترکی منظوم لجمال
الدین محمد بن عبدالغنى المتخلص بنادری الرُّومى المتوفى سنة ست و نیلائين والـ
عدد ایاته ۱۹۵۴ فی مظفر بیت السلطان ۰۰۰۰ خان العثمانی

پایان